

نسبت به سایر کشورها کاهش یابد. از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذب‌شده در منطقه (۷۱۸ هزار و ۶۸۱ میلیون دلار)، سهم ایران حدود ۲۴ هزار و ۷۷۵ میلیون دلار و سهم عربستان، ترکیه و امارات به ترتیب ۱۸۸ هزار و ۳۴۶؛ ۱۱۰ هزار و ۵۵۸ و ۶۸ هزار و ۸۶۷ میلیون دلار بوده است. هرچند که دولت یازدهم از طریق مذاکرات جدی با غرب سعی داشته است تا با حل مسئله هسته‌ای، سیاست خارجی را برای بهبود اقتصاد کشور سازمان‌دهی کند (van der Hoeven, 2016: 18-19)، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این دولت و در مقایسه با همسایگان ناچیز بود. از مجموع سرمایه‌گذاری جذب‌شده در منطقه بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۶ (۲۱۹ هزار و ۲۷ میلیون دلار)، سهم ایران ۱۰ هزار و ۵۵۷ میلیون دلار و سهم ترکیه، امارت و عربستان به ترتیب حدود ۵۴ هزار و ۴۷۵؛ ۳۸ هزار و ۹۵ و ۳۲ هزار و ۴۷۱ میلیون دلار بوده است. به‌نظر می‌رسد ج.ا.ایران ظرفیت‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه انرژی، معادن و خدمات دارد ولی سرمایه‌کافی برای توسعه زیرساخت‌های آن جذب نشده است. مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان در تحریم‌های بین‌المللی دانست. از طرف دیگر باید به قوانین و مقررات داخل کشور هم توجه داشت؛ چراکه به خاطر نبود دولت توسعه‌گرا، بسترهای داخلی مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی شکل نگرفته است. همچنین طبق گزارش‌ها، بیشترین جذب سرمایه‌گذاری خارجی مربوط به بخش نفت است. تمرکز بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها به بخش نفت، نشان از دولت غیر توسعه‌گرا دارد؛ چراکه سرمایه‌ها را در بخش‌هایی که منجر به صادرات غیرنفتی می‌شود - جایگزینی صادرات - سوق نداده است.

۵. دیپلماسی انرژی

ج.ا.ایران، از ذخایر عظیم نفت و گاز برخوردار است که استفاده از این ظرفیت، نیازمند فعال کردن دیپلماسی انرژی است. ج.ا.ایران با استفاده از دیپلماسی انرژی می‌تواند از یک‌سو، کشورهای مصرف‌کننده انرژی را به خود وابسته کند و به جذب سرمایه و انتقال فناوری لازم بپردازد و از سوی دیگر می‌تواند این منابع را به فروش برساند. چنان‌که بی‌توجهی به دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی باعث